

The role of waqf in promotion and development of home businesses for women heads of households - Results of a qualitative study

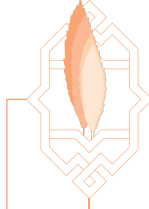
Majid Jafarian*

Abstract

Given the changes and developments that have occurred in the Iranian family institution, the growth of women in households has increased significantly due to limited financial resources, social and cultural restrictions, and unstable economic conditions. The result of such instability is the increasing tendency of this type of women to home businesses. Since the primary goal of the waqf as a religious institution is to strengthen and develop livelihood foundations, the present study attempts to answer the question of what role the waqf institution plays in promoting and development home businesses of women heads of households? The approach in this research is qualitative and the content analysis method has been used to analyze the data. Empirical data was collected through purposive sampling and a combination of semi-structured interviews and focus groups with 15 female activists active in the two fields of waqf and home businesses. The analysis of the findings showed that despite the economic and cultural challenges in the development of women's home businesses, the waqf as an institution has played a supporting role in both the financial and social spheres for women's home businesses, has reduced poverty and their financial independence, and as an effective factor, it has caused fundamental changes in the family and economic life of this class of women. Women's political perspective emphasizes that endowment has transformative potential in advancing gender-inclusive economic development, provided that the gaps in the management of the Waqf and its implementation in the field of women's home businesses are addressed.

Key words: Waqf (Endowment), home businesses, entrepreneurship, women heads of households, qualitative study

* Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
m.jafarian@isca.ac.ir



دور الوقف في تعزيز وتنمية المشاغل المنزلية للنساء المعيلات للأسر: نتائج دراسة نوعية

مجيد جعفریان*

الخلاصة

في ضوء التحوّلات البنوية التي شهدتها مؤسسة الأسرة في المجتمع الإيراني خلال العقود الأخيرة، برزت ظاهرة تزايد أعداد النساء المعيلات للأسر بوصفها إحدى القضايا الاجتماعية والاقتصادية الملحة. وقد أسهمت محدودية الموارد المالية، إلى جانب القيود الاجتماعية والثقافية، فضلاً عن هشاشة الأوضاع الاقتصادية، في تزايد تعرّض هذه الفئة للهشاشة والفقر، الأمر الذي دفعها على نحو متزايد إلى الانخراط في المشاغل المنزلية باعتبارها استراتيجية بديلة لتحسين سبل العيش. وانطلاقاً من كون الوقف، كمؤسسة دينية-اجتماعية، يهدف أساساً إلى دعم مقومات المعيشة وتعزيز العدالة الاجتماعية، تسعى هذه الدراسة إلى تحليل الدور الذي يضطلع به الوقف في تعزيز وتنمية المشاغل المنزلية للنساء المعيلات للأسر. اعتمدت الدراسة منهجاً نوعياً، وتم توظيف أسلوب تحليل المضمون الموضوعي في تحليل البيانات. وجمعت المعطيات الميدانية باستخدام أسلوب العينة القصديّة، ومن خلال مزيج من المقابلات شبه المهيكلة ومجموعات النقاش المركّزة، بمشاركة خمس عشرة امرأة من الفاعلات في مجالي الوقف والمشاغل المنزلية. وتشير نتائج الدراسة إلى أنّه، على الرغم من استمرار التحدّيات الاقتصادية والثقافية التي تعوق تنمية المشاغل المنزلية للنساء المعيلات للأسر، فإنّ مؤسسة الوقف أدت دوراً داعماً ومسانداً لهذه الأنشطة على المستويين المالي والاجتماعي. وقد أسهم هذا الدعم في التخفيف من حدّة الفقر، وتعزيز الاستقلال الاقتصادي، وتحسين القدرة على الصمود المعيشي لدى هذه الفئة، كما أحدث تحوّلًا ملموسًا في أوضاعهنّ الأسرية والاقتصادية. وتؤكّد الرؤية السياساتية المستخلصة من تجارب المشاركات أنّ الوقف يمتلك طاقة تحويليّة كامنة في دفع مسار التنمية الاقتصادية الشاملة ذات الحساسية الجندرية، ولا سيما في حال معالجة أوجه القصور المؤسسية والفجوات الإدارية القائمة في إدارة الوقف وتوجيهه نحو دعم المشاغل المنزلية للنساء.

مصطلحات مفتاحية: الوقف؛ المشاغل المنزلية؛ ريادة الأعمال؛ النساء المعيلات للأسر؛ الدراسة النوعية.

* أستاذ مساعد في مجموعة الأخلاق الاجتماعية، معهد بحوث اللاهوت والأسرة، مجمع بحوث العلوم والثقافة الإسلامية.
m.jafarian@isca.ac.ir

نقش وقف در ترویج و توسعه مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار- نتایج یک مطالعه کیفی



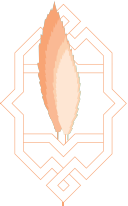
مجید جعفریان*

چکیده

با توجه به تغییر و تحولاتی که در نهاد خانواده ایرانی رخ داده عملاً رشد زنان خانوار به جهت منابع مالی محدود، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و شرایط اقتصادی ناپایدار به میزان زیادی افزایش یافته است. نتیجه چنین ناپایداری نیز گرایش فزاینده این سنخ زنان به کسب‌وکارهای خانگی است. از آنجایی که هدف نخستین وقف به‌عنوان یک نهاد دینی تقویت و توسعه بنیان‌های معیشتی است پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که نهاد وقف چه نقشی در ترویج و توسعه مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار دارد؟ رویکرد در این پژوهش کیفی بوده و از روش تحلیل مضمون جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. داده‌های تجربی نیز به صورت نمونه‌گیری هدفمند و در ترکیبی از مصاحبه نیم‌ساختاریافته و گروه متمرکز با ۱۵ نفر از کنشگران زن فعال در دو حوزه وقف و مشاغل خانگی جمع‌آوری شده است. تحلیل یافته‌ها نشان داد علی‌رغم وجود چالش‌های اقتصادی و فرهنگی در توسعه مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار، وقف به‌عنوان یک نهاد هم در حوزه مالی و هم اجتماعی نقش حمایت‌گری از کسب‌وکار خانگی زنان داشته، موجب کاهش فقر و استقلال مالی آنها شده و به‌عنوان یک عامل مؤثر موجب تغییرات اساسی در حیات خانوادگی و اقتصادی این طبقه از زنان گردیده است. نگاه سیاستی زنان بر این نکته تأکید دارد که وقف دارای ظرفیت دگرگون‌کننده‌ای در پیشبرد توسعه اقتصادی فراگیر جنسیتی است، البته مشروط بر اینکه شکاف‌های موجود در مدیریت وقف و اجرای آن در حوزه کسب‌وکار خانگی زنان مترفع گردد.

واژگان کلیدی: وقف، مشاغل خانگی، کارآفرینی، زنان سرپرست خانوار، مطالعه کیفی

*. استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشکده هیات و خانواده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
m.jafarian@isca.ac.ir



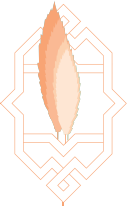
مقدمه

آنچه مسلم است جامعه ایران طی بیش از چهار دهه گذشته تحولات اجتماعی و فرهنگی دامنه‌داری را پشت سر گذاشته که به وضوح می‌توان روند تأثیر آن را در بخش‌های مختلف به‌ویژه در حوزه خانواده مشاهده کرد. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که تغییر و تحول در ساختار خانواده ایرانی، کاهش رشد جمعیت، افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، افزایش شهرنشینی و سواد خانواده، اشتغال زنان و کوچک‌شدن بُعد خانوار از اساسی‌ترین تأثیرات منفی است که این روند بر نظام خانواده نهاده است (رک: صادقی فسائی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲). از پیامدهای جدی این تأثیرات، روند رو به رشد خانوارهایی است که به سرپرستی زنان اداره می‌شوند. بنا به تعریف مرکز آمار ایران؛ زن سرپرست خانوار؛ زنی است که مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را برعهده دارد. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۳ میلیون و ۶۱ هزار زن سرپرست خانواده در کشور وجود دارد که ۱۲/۷ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۰). براساس اعلام سازمان ثبت احوال کشور «از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ تعداد ۱۴۲۰۷۰۹ خانوار، به خانوارهای زن سرپرست کشور اضافه شده است و درصد زنان سرپرست خانواده کشور در سال ۱۳۷۵، ۳/۵ درصد بوده است که در سال ۱۳۹۵ به ۷/۸ درصد افزایش یافته است» (سالنامه آمار کشور، ۱۳۹۹: ۱۵۳).

اگرچه، طلاق از دلایل اصلی سرپرستی خانوار توسط زنان بوده اما عوامل دیگری مانند تغییر در پایگاه شغلی سنتی، الگوهای موجود در زیست شهری به همراه رشد جمعیت، فوت مردان، مهاجرت نیز در افزایش تعداد خانوارها به سرپرستی زنان نقش دارند. با این حال، فشار فراگیر برای اولویت‌دادن به مسئولیت در خانه بر تلاش‌های اقتصادی عمومی، مانع از حضور زنان سرپرست خانوار در فعالیت‌های شغلی رسمی است. از سوی دیگر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی موجب شده که این زنان نتوانند به خوبی در حوزه اقتصادی فعالیت کنند. حتی در حوزه فضای مجازی نیز موانعی همچون سواد دیجیتالی محدود، دسترسی به فناوری و محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی مانع از مشارکت کامل آنها در فعالیت‌های تجاری مستمر، دسترسی به منابع مالی، بازارها و مهارت‌های کارآفرینی مورد نیاز برای موفقیت بلندمدت شده است (Choudhury Kaul et al., ۲۰۲۳).

با این حال، به نظر می‌رسد این موانع را با مفهوم وقف مبتنی بر سنت اسلامی که تأمین‌کننده منابع مالی بدون بهره است و کمک‌های زیرساختی و برنامه‌های ظرفیت‌سازی که ارائه می‌دهد، می‌توان برطرف کرد؛ چرا که وقف به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین منابع و سرمایه‌های اجتماعی نهفته در تجربه تاریخی سنت اسلامی پیش از این در حوزه‌هایی همچون «پزشکی و درمان عمومی، پویایی فرهنگ، عدالت و تأمین اجتماعی، جهاد و تبلیغ، آموزش و پرورش و عبادت و معنویت» ورود داشته است (الضحیان، ۱۴۲۰ق: ۳۰). با این حال، بررسی مطالعات نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه پس از انقلاب اسلامی در ایران نهاد وقف در اسناد بالادستی (قانون اساسی، ماده ۵۵) جایگاه مشخص‌تری یافته، اما در سیاست‌ها و عملکرد دولت‌ها در خصوص خانواده (رک: صادقی فسائی، ۱۳۹۶؛ کرمی‌قهی، ۱۳۹۱). به وقف به‌عنوان منبعی که می‌تواند به این حوزه کمک کند، توجه جدی نشده است.

با وجود این، فقط در سال ۱۴۰۰ و طی تبصره هفتم ماده ۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نمایندگان مجلس نه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بلکه صرفاً متذکر شدند سازمان اوقاف و امور خیریه و تولید آستان‌های مقدسه با رعایت نوع وقف و ترویج فرهنگ وقف و تعالی خانواده» مکلفند با همکاری وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و راه و شهرسازی و همچنین مراکز مدیریت حوزه‌های علمی، ضمن استفاده از ظرفیت‌های مردمی، به احداث «خوابگاه متأهلین» - ویژه دانشجویان و طلاب اقدام نمایند». مضاف بر اینکه، با وجود ادارات اوقاف در تمامی استان‌های ایران تمرکز آنها بیشتر بر بخش‌هایی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات مذهبی و تا اندازه‌ای حوزه معیشت جهت فقرا بوده و استفاده از وقف برای حمایت از مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که اوقاف با طرح شمیم خدمت تلاش کرده است که سازمان را به این فضا نزدیک کند. اگرچه طرح مسئله بودگی زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار در کانون طرح نیست. طرح شمیم خدمت به‌عنوان یکی از طرح‌های اولویت‌دار در سال ۱۴۰۳ براساس عایدات موقوفات و با هدف آموزش، توانمندسازی و تولید و عرضه محصولات برای افراد کم‌برخوردار تدوین و توسط این سازمان جهت اجرا به بقاع متبرکه ابلاغ گردیده و سازمان تلاش کرده که مسائل اجتماعی زنان را به صورت عینیت‌یافته‌تری مورد توجه قرار دهد. در همین راستا، هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که کنشگران و فعالان حوزه وقف چه تفسیری از وقف به‌عنوان یک نهاد دینی در ترویج کسب‌وکارهای خانگی زنان سرپرست خانوار دارند..



۱. چارچوب مفهومی

مشاغل خانگی در هر سطی که باشد با مسئله کارآفرینی درگیر است. در واقع، این مشاغل علی‌رغم دور بودن زنان از دیگر فرصت‌های شغلی که به‌طور رسمی ممکن است به آن دست یابند، در بسیاری از مواقع نیازمند نوعی از کارآفرینی است که بتواند وضعیت مالی و معیشتی آنها را سامان دهد. با این حال، آنچه مهم است از یک سو، ارتباط کارآفرینی با مشاغل است که زنان بیش از دیگر فعالیت‌های اقتصادی با آن درگیرند. از سوی دیگر ارتباطی است که کارآفرینی به‌عنوان یک عنصر مؤثر در مشاغل خانگی با نهاد وقف خواهد داشت.

از جهت اول، والیر با استفاده از روانشناسی شناختی، مبنای آگاهی کارآفرینی را مورد مطالعه قرار داده و آن را به نظریه‌هایی همچون مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری مرتبط ساخته است (Valliere, 2013: 10). بدون تردید، این آگاهی، آگاهی از فرصت‌ها و استراتژی‌های تجاری برای یک عملیات تجاری موفق در یک سطح خرد خواهد بود. به عبارت دیگر، این کار برای ارائه یک مبنای نظری یا مدلی برای چگونگی توجه کارآفرین به فرصت‌های جدیدی است که می‌تواند نگاه نظام‌مندی به او در عرصه فعالیت‌های سبک اقتصادی داده، نگاه او را نسبت به آنچه می‌تواند مدیریت نظام‌مندی بر کاروکسب خود داشته باشد قوی‌تر کرده و البته تصمیم‌گیری‌ها در مواقع حساس شغلی را مطلوب سازد.

در همین راستا اما با نگاهی متفاوت، جیائو و همکارانش بر این نکته تأکید دارند که عمل کارآفرینی عمدتاً به ویژگی‌های کارآفرین بستگی دارد. در واقع، اگرچه مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری مهم است اما آنچه از اهمیت جدی‌تری برخوردار است کمک به افراد برای تقویت ویژگی‌هایی خواهد بود که می‌تواند روحیه کارآفرینی آنها را در مشاغل و کسب‌وکارهای خرد و نه کلان افزایش دهد. آنها تأکید می‌کنند «کارآفرینان در کسب‌وکارهای خرد باید دارای برخی ویژگی‌ها همچون نوآوری، سخت‌کوشی، ریسک‌پذیری و خوش‌بینی بود و در شناسایی فرصت‌های تجاری و سودآوری و نیز در جهت کسب دانش هوشیارانه گام نهاده و اعتماد به نفس قوی داشته باشند» (Jiao et al., 2014: 501-516).

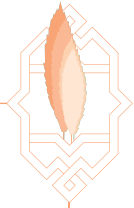
افزون بر آگاهی از فرصت‌ها و توجه به تقویت ویژگی‌های کارآفرینان مهمترین نکته در خصوص رابطه کارآفرینی با مشاغل خانگی، تأمین مالی درستی است که در رشد

کارآفرینی تأثیر شگرفی دارد. پژوهشگرانی همچون وایتد (۲۰۰۶) رشد کارآفرینی را در رابطه با تأمین مالی و در دسترس بودن آن مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر همین مبنا، وایتد معتقد است «تأمین مالی برای کارآفرینان، یکی از مهمترین محدودیت‌هایی است که شرکت‌ها با آن مواجه‌اند و اساساً نیازمند تعریف معیار مناسب است» (Whited, ۲۰۰۶: ۵۳۱-۵۵۹).

در حقیقت، «بدون معیار مناسب برای تأمین مالی کسب‌وکار، نمی‌توان به رشد جدی در کارآفرینی رسید. این نشان می‌دهد که چرا برخی از دولت‌ها تلاش می‌کنند که به سمت تأمین مالی آمده و از آن حمایت می‌کنند و یا اقدامات دیگری را برای کمک به کسب‌وکارها صورت می‌دهند» (Tohirin, ۲۰۱۰: ۴۸۹). به همین دلیل است که بسیاری از پژوهشگران بر نیاز به بودجه برای کارآفرینان در شروع، پایداری و رشد کسب‌وکارشان تأکید کرده‌اند. در همین راستا، نوربانی و همکاران بر این باورند که «بسیاری از مشاغل خانگی خرد و کوچک هنوز به سرمایه در گردش و امکانات مالی اضافی برای پشتیبانی و نوسازی فعالیت‌های شغلی خود نیاز دارند» (Nurbani et al., ۲۰۱۱: ۱۶۵-۱۶۸).

باین‌حال، فوز و کلاین به مطالعه راه‌هایی پرداخته‌اند که بودجه کسب‌وکارهای کوچک کارآفرینان را تأمین می‌کند. آنها بر این باورند که برخی از استارت‌آپ‌های کسب‌وکار یا با تأمین مالی سهام یا کارت‌های اعتباری رایانه‌ای تأمین مالی می‌شوند. همچنین تأکید می‌کنند که کسب‌وکارها نیازمند کمک مالی بوده و کارآفرینان مجبورند که در این جهت گام بردارند (Foss & Klein, ۲۰۰۹). در پژوهشی که لی و کوآن (۲۰۰۰) انجام دادند، همچنین استفاده از اعتبار بانکی مانند استفاده از کارت‌های اعتباری را به‌عنوان وسیله‌ای برای تأمین مالی پیشنهاد کردند (Lee & Kwon, ۲۰۰۲). باوجوداین، واردیونو (۲۰۱۲) معتقد است منبع جایگزین تأمین مالی کارآفرینان که موفقیت بیشتری نسبت به اقدامات متعارف به همراه خواهد داشت، حوزه‌های و زمینه‌هایی است که به لحاظ اسلامی می‌تواند جنبه‌های مالی مشاغل و کسب‌وکارهای خرد را تأمین کند (Wardiwiyono, ۲۰۱۲: ۳۴۰-۳۵۲).

این ایده‌ای است که حنیف و اقبال (۲۰۱۰) با تأکید بر بانک‌های اسلامی و ماسیتا و همکارانش با تمرکز بر نهاد وقف از آن حمایت کرده و جهت دوم یعنی ارتباط کارآفرینی، کسب‌وکارهای خرد یا همان مشاغل خانگی و نهادهای مالی را رقم زده‌اند. حنیف و اقبال در پژوهشی کسب‌وکارهای خردی که در پاکستان وجود دارد و می‌توان از جهت شیوه‌های مبتنی بر شریعت برای آنها تأمین مالی کرد را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند؛ یافته‌های آنها نشان می‌دهد «تأمین مالی مبتنی بر شریعت برای کسب‌وکارهای خرد مناسب بوده



و کارآفرینانی که تشویق شده بودند که تأمین مالی خود را از طریق بانک‌های اسلامی که عملیات آنها مبتنی بر شریعت است، دریافت کنند، از روحیه و انگیزه‌های متفاوتی برخوردار بودند» (Hanif, M., & Iqbal, ۲۰۱۰-۱۸).

با توجه به این موضوع، ماسیتا و همکارانش (۲۰۰۵) پا را فراتر از بانک‌های اسلامی گذارده و وقف را به‌عنوان جایگزین بهتری برای تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی معرفی کرده‌اند. آنها معتقدند: «آنچه می‌تواند در شرایط بحران اقتصادی طبقه فرودست جامعه را در حوزه معیشت شخصی پایدار نگه دارد، تمرکز و بهره‌برداری از عایدات و وقوف در کسب‌وکارهای زودبازده و ثمربخش است که البته دولت‌ها و کارآفرینان نیز به‌واسطه آن می‌توانند در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی مهم به آن اعتماد کرده و سرمایه‌گذاری کنند» (Masyita et al, ۲۰۰۵: ۱-۲۹).

با این حال، برای استفاده از روش تأمین مالی اسلامی نظیر وقف باید نگرش‌ها نسبت به امور مالی اسلامی بررسی شود. از این‌رو، موریس دو مدل برای آن در نظر گرفته است. نخست مدل ورودی-خروجی است؛ به این معنا که شخص واقف با رهاسازی ثروت لزوماً چیزی به دست نیاورده و صرفاً عایدات وقفی برای دیگری (محرومان) بوده و طبیعتاً یک طرفه است (Morris et al., ۱۹۹۴: ۱۲۰). به عبارت دیگر در این مدل، کسب و کار مبتنی بر وقف ممکن است شکلی از کارآفرینی باشد که می‌تواند به معنای رهاسازی ثروت توسط یک نیکوکار یا واقف به منظور ایجاد ثروت ترجیحاً برای فقرا یا نیازمندان و طبقات فرودست در نظر گرفته شود. مدل دیگری با در نظر گرفتن کارآفرینی کسب‌وکار به‌عنوان داده - ستاننده واقف و ذی‌نفع را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در واقع، وقفی که توسط واقف صورت می‌گیرد اهداف اجتماعی و اقتصادی را هدف قرار می‌دهد که می‌تواند وسیله‌ای برای کارآفرین شدن ذی‌نفعان وقف باشد و به‌طورکلی به رفاه عمومی جامعه کمک کند. در این میان، «از طریق سازوکار وقف می‌توان بر منابعی همچون زمین، ساختمان و پول تمرکز کرد با این هدف که از آنها البته از طریق سپرده‌ها یا سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف تجاری و اقتصادی به نفع طبقات مختلف اجتماعی بهره‌برداری کرد. سپس درآمد یا سود حاصل از فعالیت‌های تجاری را می‌توان مجدداً در فعالیت‌های کارآفرینانه سرمایه‌گذاری و توزیع نمود و این چرخه ادامه خواهد داشت» (Ibid).

باوجوداین، ایجاد ثروت از طریق دارایی‌های وقف ممکن است اشکال مختلفی داشته

باشد. همه چیز به خلاقیت متولیان وقف بستگی دارد. این امر مستلزم پذیرش محصولات سنتی بازار با اندکی اصلاح است تا ابتدا با ارکان و ویژگی‌های بنیادین ثابت وقف مطابقت داشته باشد و سپس تغییرات نوآورانه‌ای را در مدل‌های کسب و کار سنتی محصولات و خدماتی که مؤسسات وقف قصد سرمایه‌گذاری در آنها دارند، ارائه نماید. به نظر می‌رسد در اینجا به سه شیوه می‌توان عمل کرد:

۱- موقوفات تحت کنترل مؤسسات وقف باشد. از آنجایی که نقش متولیان بیش از حفظ اموال وقف و درآمد آن است، آنها موظف‌اند درآمد موقوفاتی که تحت سرپرستی‌شان قرار دارد را افزایش دهند. متولیان وقف می‌توانند با به کارگیری فقرا یا افراد حرفه‌ای و ماهر برای استفاده از سرمایه وقف به منظور به حداکثر رساندن درآمد به ذی‌نفعان اقدام کرده و با نوآوری و هدایت اصول اساسی استفاده از پول نقد و دارایی‌های غیرنقدی وارد عرصه وسیعی از فعالیت‌های تجاری شوند.

۲- موقوفات تحت کنترل نیکوکاران قرار گیرد: این شیوه می‌تواند یک حرکت قوی برای ایجاد انگیزه بشردوستانه جهت راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدی قرار گیرد. این ایده، نزدیک به فلسفه کارآفرینی اجتماعی یا مسئولیت اجتماعی مشارکت‌گونه برای تغییرات اجتماعی با تلاش‌های خلاقانه از طریق کمک‌های مالی، ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، تدوین برنامه‌های اجتماعی و ایجاد گروه‌های کنشگر اجتماعی است (London and Markopoulos, ۲۰۱۰; Volkman et al. ۲۰۱۲). آنچه در اینجا وجود دارد این است که مؤسسات وقف ممکن است وجوه یا اموالی را به‌عنوان وقف دریافت و سرمایه‌گذاری کرده و یا از آنها برای ایجاد درآمد در بازار آزاد یا برای فعالیت‌های خردی همچون مشاغل خانگی استفاده کنند. تفاوت بین این روش و روش اول صرفاً در منابع تأمین مالی و کنترل مدیریت است.

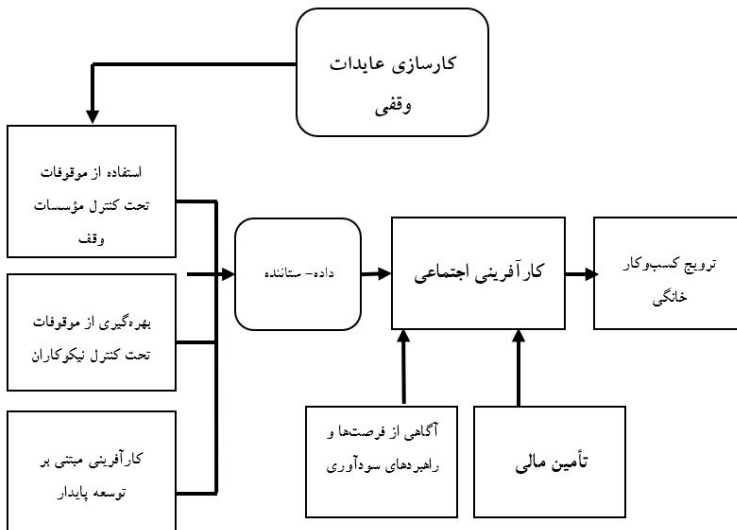
۳- ایده‌ای از کارآفرینی اجتماعی وجود دارد که به دنبال تغییر شیوه اقتصادی طبقات مختلف اجتماعی از طریق توسعه پایدار بوده است. در واقع، با این ایده تلاش می‌شود ثبات شغلی در میان طبقات پایین‌دست گسترش یافته و راه‌حل‌های نوآورانه‌ای را به نفع محرومان و طبقات ضعیف ارائه نماید (Brock, & Steiner, ۲۰۱۰). در این وضعیت، کارآفرینی اجتماعی از طریق تعهدات کسب‌وکار محور ارتقاء نمی‌یابد بلکه به‌واسطه سازمان‌های دولتی یا غیرانتفاعی توسعه خواهد یافت. به‌عنوان مثال، در ترکیه، بنیاد سابانجی بیش از ۱۲۰ مدرسه، بیمارستان، کتابخانه، یتیم‌خانه و سایر امکانات را جدا از سایر پروژه‌های



عمومی و خدمات شهری مانند سیستم‌های آبرسانی، پل‌ها و جاده‌ها ساخته است. سپس این دارایی‌ها به وزارتخانه‌های دولتی منتقل می‌شود که آنها را اداره می‌کنند. در واقع، بسیاری از بنیادهای مدرن ترکیه تا به امروز به تأمین چنین زیرساخت‌های سنتی مشغول بوده‌اند (WSJ, ۲۰۱۶).

با این حال، فارغ از اموال و موقوفات مادی، وقف را می‌توان از طریق کمک‌های غیرمادی مانند خدمات رایگان یا داوطلبانه افراد توسعه داد به‌واسطه ارزش پولی به آنها، این سنخ از خدمات را به‌عنوان وقف دائمی معرفی کرد و در همین راستا هزینه کمتری پرداخت نمود. به طور مثال، افراد می‌توانند زمان، دانش، تخصص و مهارت خود را برای یک پروژه خاص به صورت رایگان با تحقق یک هدف خیریه‌ای ارائه دهند. برنامه‌ها یا پروژه‌های اجتماعی برای حفاظت از محیط زیست، فقرزدایی، ریشه‌کنی بی‌سوادی، نظارت امنیتی، توسعه مشاغل خانگی و غیره را می‌توان از این طریق اجرا کرد.

شکل شماره ۱: نمودار مفهومی نظری پژوهش



۲. روش پژوهش

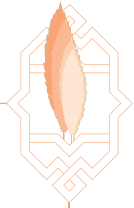
در این پژوهش از رویکرد کیفی برای فهم و درک نقش وقف در ترویج مشاغل خانگی در میان زنان سرپرست خانواره استفاده شده است. جامعه آماری شامل گروهی از زنان هستند که مشغول کسب و کارهای خانگی بوده و به دلیل ارتباط با نهاد وقف در قالب ادارات اوقاف و امور خیریه از توانایی لازم برای پاسخ به سؤالات و تحقق هدف اصلی پژوهش برخوردارند. با این حال، معیارهای ورود به نمونه شامل تجربه عملی، شناخت کافی و نقش فعال در حوزه موضوع مطالعه بود. این افراد در مشورت با مدیران حوزه وقف انتخاب شده و از این جهت گزینش، تصادفی نبوده بلکه به صورت هدفمند انجام شده است. داده‌های تجربی نیز به دلیل سختی دسترسی به اطلاعات از ترکیب دو تکنیک مصاحبه نیم‌ساختاریافته و گروه متمرکز^۱ در مجموع با ۱۵ نفر شامل کارشناسان، مجریان و فعالان زن در حوزه کسب و کار خانگی و مرتبط با وقف جمع‌آوری شده است. «در این تکنیک ترکیبی، سؤالات اصلی و راهنما به گونه‌ای تدوین می‌شود که پژوهشگر بتواند پاسخ‌های باز و آزادانه‌ای را از مشارکت‌کنندگان دریافت کرده و مهم‌تر اینکه امکان گفت‌وگوی عمیق درباره تجارب و دیدگاه‌ها را فراهم کرده و هدف آنها استخراج دیدگاه‌ها و نظرات شرکت‌کنندگان است» (Creswell, ۲۰۱۴: ۲۹۴).

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	مصاحبه‌شونده	مسئولیت	تعداد
۱	کارشناسان	برنامه‌ریزان حوزه کسب و کار	۳
۲	مجریان	ناظران و مدیران اجرایی فعالیت‌ها	۷
۳	فعالان شغلی	زنان دارای کسب و کار خانگی	۴

در ابتدای مصاحبه و پیش از طرح هرگونه سؤالی هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان بیان گردید و تأکید شد که از مصاحبه‌ها تنها برای مقاصد پژوهشی استفاده می‌شود و مشخصات افراد به هیچ وجه در گزارش‌های تحقیق و مقالات افشا نخواهد شد. پس از ضبط، مصاحبه‌ها تبدیل به متن نوشتاری شد و سپس برای تحلیل کیفی آماده‌سازی گردیدند. داده‌های کیفی جمع‌آوری شده به صورت نظامند از طریق تحلیل مضمون مورد

1.. Focus Group



تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ روشی که «امکان درک عمیق‌تری را برای پژوهشگر از دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان و شناخت بهتر از الگوهای رایج و تجربیات مشترک در میان گروه‌های مورد مطالعه را فراهم می‌سازد» (Braun, V., & Clarke, ۲۰۰۶: ۸۷). در گام نخست، تمامی مصاحبه‌ها طی چند مرحله مطالعه شده، با نظارت مداوم بر روند تحلیل، مفاهیم کلیدی و مضامین پایه شناسایی گردید. در ادامه، بر اساس شباهت‌ها، مضامین سازمان‌دهنده استخراج شد و در دسته‌بندی‌های معنادار قرار گرفتند. این روند ادامه یافت تا مضامین فراگیر درون داده‌ها آشکار شدند. در نهایت، مستندات به‌دست‌آمده با استفاده از نظر مشارکت‌کنندگان قطعی شدند و همین مسئله، اطمینان‌پذیری داده‌ها و امکان تأیید آن‌ها را فراهم ساخت (جعفریان، ۱۴۰۰: ۵۷).

جدول (۲): مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر براساس تحلیل مضمون مصاحبه‌ها

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
وجود چالش‌های اجتماعی - اقتصادی در راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی	عدم درک درست از ترکیب عایدات وقف با بهره‌برداری از عایدات آن برای زنان	وجود تضاد نقش، عدم درک از رقابتی‌کردن کاروکسب زنان، عدم استفاده از تجربیات دیگر کشورهای مسلمان، عدم درک از وقف به عنوان تأمین‌کننده مالی برای کسب‌وکار	فهمی از وقف برای زنان در نهادهای وقفی ما وجود ندارد. تا زمانی که این فهم ایجاد نشه به‌طورقطع استفاده ما زنها که سرپرست خانوار هستیم از این موقوفات رقم نخواهد خورد.
	عدم توجه به محدودیت در کسب‌وکار خانگی زنان سرپرست خانوار	دسترسی محدود به سرمایه، ناامنی اخلاقی، وجود محدودیت‌های فرهنگی، مهارت‌های پایین کارآفرینی، عدم آموزش درست در تعریف محدودیت‌ها، عدم وجود سیاست‌های منطقی در به‌کارگیری زنان در موقوفات، عدم توجه به ترویج و استفاده زنان از وقوف به عنوان یک اقدام فراگیر اجتماعی	بین ما و مردان هیچ‌گونه تفاوتی برای کسب‌وکار وجود ندارد اما وقتی قرار هست که از همین موقوفات جهت این کار استفاده کنیم، با محدودیت‌هایی مواجه میشیم که خوب طبیعتاً ما رو از صحنه رقابت که هیچ حتی برای به معیشت جزئی هم دچار مشکل میکنه.

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
نقش حمایت‌گری وقف از کسب‌وکار خانگی	حمایت‌گری مالی	راه‌اندازی صندوق‌های وقف، اعطای وام‌های بدون بهره، آموزش برنامه‌ریزی مالی، دسترسی به بازار کار، راه‌اندازی تعاونی‌ها جهت اشتراک‌گذاری محصولات	در هر صورت برای به دست آوردن به امنیت معیشتی بایستی کار کرد و کارکردن هم دو تا چیز نیاز داره یکی پول و یکی دیگه هم جایی که بشه اون چیزی که تولید میکنیمو رو بفروشیم. به نظر من میشه این دو تا کار رو از طریق عایدات وقف اداره وقف به ما کمک کنه.
	حمایت‌گری اجتماعی	لزوم راه‌اندازی پروژه‌های آموزشی، توانمندسازی زنان با کارآفرینی، تأکید بر شبکه‌سازی اجتماعی، رشد تصمیم‌گیری مشارکتی، پویایی خانواده بهتر خانواده	ما همیشه برای اینکه بخوایم در به حوزه‌ای توانمند بشیم مشکل داشتیم. من خودم چند تا کار عوض کردم که الان تونستم توی یکی از اونا موفق بشم. اولین اصل اینه که ماها توانمند بشیم بتونیم کار مشترک بکنیم و توی به مجموعه خودمونو پیدا کنیم. این جمع‌سازی رو عایدات موفق میتونه انجام بده که منتهی هم بر سر ما نباشه
تأثیر موفق مداخلات مبتنی بر وقف	تغییر در زندگی اقتصادی	افزایش درآمد خانوار، پایداری کسب‌وکارهای خانگی، حفظ حیات اقتصادی خانواده، بهبود انسجام خانواده، رشد استقلال اقتصادی،	وقف میتونه تغییر جدی در زندگی زنان سرپرست خانوار ایجاد کنه. وقف بایستی بتونه در زندگی زن‌های سرپرست خانوار به تغییرات اساسی ایجاد کنه و به زندگی‌ش استحکام بده
	لزوم بکارگیری راهکارها جهت رفع موانع تأثیر وقف بر حیات اقتصادی زنان	وجود حمایت دولتی، آموزش مدیران وقف، توجه و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد، آگاهی‌بخشی نسبت به مسئله وقف و کارکرد آن به زنان،	هر چه مدیران وقف بیشتر بدونند، هر میزانی که ارتباط نهاد وقف با مردم بیشتر بشه و در خصوص اون همکاری صورت بگیره و هر چقدر دولت حمایت کنه قطعاً تأثیرگذاری وقف رو بر توسعه کسب‌وکارهای طبقه ضعیفی مثل زنان سرپرست خانوار بیشتر می‌کنه و مانعی هم اگه باشه برطرف میشه
	پیوند وقف با چارچوب‌های توسعه گسترده‌تر	ارتباط وقف با نهاد اقتصادی و مالی، پیوند وقف با نهاد توسعه انسانی و آموزش، رابطه وقف با نهاد توسعه اجتماعی و فرهنگی، همکاری وقف با نهادهای محلی و شهری و منطقه‌ای	مهم‌ترین مسئله اینه که ارتباط وقف با دیگر سازوکارهایی که موجب میشه کسب‌وکار زنان سرپرست خانوار رونق بگیره، بایستی تعریف بشه. نهاد وقف نمی‌توانه به تنهایی در این مسیر حرکت کنه و نیازمند اولویت‌های سازوکارهای دیگه هم هست.



مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
شکاف‌های موجود در مدیریت و اجرای وقف	ضعف در حکمرانی وقف	ناکارآمدی منجر به فساد، تضعیف اعتماد عمومی، عدم جایگاه درست وقف در نظام سیاسی، عدم تعریف رابطه درست وقف با ذی‌نفعان، عملکرد مستقل نهاد وقف، ایجاد رقابت ناسالم به دلیل کمبود منابع.	حاکمیت حرف اول رو در جهت راهبر بودن وقف میزنه. تا زمانی که بین اونی که قراره وقف رو مدیریت کنه و اون کسی که قراره از عایدات وقف به نفع کسب‌وکار طبقه ضعیفی مثل زنان سرپرست خانوار استفاده کنه هماهنگی وجود نداشته باشه شما مطمئن باشین وقف میمونه به همون شکلی که تا حالا مونده
	ضعف در فرایند اجرا	عدم تمرکز استراتژیک، دانش ناکافی، محدودیت‌های منابع، نظارت و ارزیابی	در زمینه به‌کارگیری وقف در همین چیزی که مورد مسئله شماسات باید به روندهایی که میتونه اجرا رو اصولی‌تر کنه توجه بیشتری بشه. در این مسیر نیاز به توجه و شناخت بیشتری هست و بایستی نگاه منطقی به این کسب‌وکارها داشت که وقف هم جای خودش رو پیدا کنه.

۳. یافته‌ها و بحث

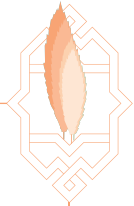
با تحلیل گفتارهای مشارکت‌کنندگان، ۳۵۰ گزاره معنادار مفهومی، ۴۵ مضمون پایه، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر شامل وجود چالش‌های اقتصادی-اجتماعی در راه‌اندازی کسب و کار خانگی، نقش حمایت‌گری وقف از کسب و کار خانگی، تأثیر مداخلات مبتنی بر وقف و شکاف‌های موجود در مدیریت و اجرای وقف بر ساخت شد که در ادامه به تحلیل و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. وجود چالش‌های اجتماعی - اقتصادی در راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی

نخستین مقوله فراگیری که از تحلیل گفتارها کشف شد، «وجود چالش‌های اجتماعی در کسب‌وکارهای خانگی» بود. در واقع، از نگاه مشارکت‌کنندگان به لحاظ اجتماعی چالش‌هایی وجود دارد که مانع از توسعه و ترویج کسب‌وکارهای خرد در میان زنان سرپرست خانوار می‌شود. از این رو، وجود این چالش‌ها ضرورت اصل توجه به عایدات وقفی را رقم می‌زند. به‌طور کلی، مشاغل خانگی نقش محوری در هدایت اقتصاد محلی، منطقه‌ای و حتی کشوری دارند. با این حال، زنان سرپرست خانوار اغلب در این زمینه‌ها

با چالش‌های اجتماعی قابل توجهی مواجه می‌شوند. برخی پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که «این چالش‌ها شامل تضادهای نقش، شناخت محدود، اختیارات تصمیم‌گیری محدود، وابستگی مالی، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، موانع آموزشی و مهارتی، مسائل مربوط به جانشینی و ارث، و مبارزه برای ایجاد تعادل بین کار و مسئولیت‌های شخصی است» (Babacan, ۲۰۱۱: ۶۶). در همین رابطه یک برنامه‌ریز در پاسخ به این سؤال که چه چالش‌های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد که مانع از نقش وقف در کمک به زنان سرپرست خانوار برای ترویج کسب‌وکار خانگی آنها می‌شود، می‌گفت: «در جامعه ما، کسب‌وکارهای خانگی رایج است، اما زنان با چالش‌های زیادی از جمله دسترسی محدود به منابع مالی روبرو هستند. اگر آگاهی بیشتری در مورد چگونگی استفاده از وقف برای حمایت از این مشاغل ایجاد شود، من معتقدم که خیلی از زن‌ها می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، می‌توانند نسبت به اینکه چه کاری انجام دهند و به چه چیزی و یا کسی اعتماد کنند تصمیم درست‌تری بگیرند. در پاسخ به همین سؤال، یک فعال زن دارای کسب‌وکار می‌گفت: «به نظر من دو چالش وجود دارد؛ یکی اینکه ما باید اطمینان حاصل کنیم کسانی که حوزه وقف و بهره‌مندی از آن را به نفع زنان سرپرست خانوار طرح می‌کنند باید این ایده را فعالانه ترویج نمایند. در واقع، با مطرح‌کردن چندین و چندباره در خصوص وقف نمی‌توان از آن بهره برد بلکه این نیازمند یک اقدام فراگیر اجتماعی است. چالش دیگر، عدم اطلاع از مشکلات اقتصادی و اجتماعی از زنان سرپرست خانوار است. تا زمانی که این مشکلات از زبان خود ما شنیده نشود مطمئن باشید نمی‌توان بهره‌مندی از وقف را به سود این زنان رقم بزنید».

هر دو پاسخ مشارکت‌کننده یکی مجری و دیگری صاحب کسب‌وکار بر این نکته تأکید دارد که دسترسی محدود به تصمیم‌گیری ممکن است مانع نوآوری و ترکیب دیدگاه‌های مختلف جهت ترویج کسب‌وکارهای خانگی بر مبنای وقف شود. این اختلاف را می‌توان با ترویج رویه‌های تصمیم‌گیری فراگیر و واگذاری رهبری بهره‌مندی از وقوف به زنان سرپرست خانوار برطرف کرد. در هر صورت، ظرفیت زنان برای سرمایه‌گذاری در رشد شخصی خود ممکن است به دلیل وابستگی مالی محدود شود و انتظارات اجتماعی و فرهنگی نیز ممکن است زنان را از دنبال کردن نقش‌های مشارکتی برجسته منصرف سازد. ترویج برابری جنسیتی و تعریف مجدد هنجارهای جنسیتی سنتی می‌تواند مقبولیت اجتماعی زنان را در راهبری مشارکت‌ها تسهیل نماید.



نکته دیگری که در گفتارهای مشارکت‌کنندگان به‌عنوان یک چالش جدی اجتماعی وجود داشت، توجه تلویحی به به محدودیت‌ها و تفکیک جنسیتی در استفاده از عایدات وقفی است. آنها معتقد بودند محدودیت‌هایی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد زنان سرپرست خانوار به خوبی از عایدات وقف در جهت کسب‌وکارها استفاده کنند. در همین رابطه زن فعال دارای یک مزون شخصی - خانگی می‌گفت: «خانه‌ای در مجاورت ما وجود دارد که از قضا وقفی است. با این حال، من تاکنون نتوانستم ورود پیدا کنم و حتی آن را در سطح اجاره در اختیار بگیرم». مشارکت‌کننده ۵۵ ساله‌ای بیان می‌کرد: «محدودیت‌های جنسیتی، مکانی، گفت‌وگو و حتی استفاده از ابزاری که بتواند یک درصد به کسب‌وکار ما کمک کند و امکان رشد و رقابتی‌بودن ما را به دیگران نشان دهد، وجود ندارد. تا زمانی که این محدودیت‌ها وجود دارد، نه وقف و نه غیر وقف نمی‌تواند به ما کمکی در رشد کسب‌وکار خانگی که دارید بکند. نمونه آن هم استفاده از مراکزی است که به عنوان موقوفه در اختیار سازمان اوقاف است، اما به هر جهت ما از استفاده آنها محروم هستیم».

با این حال، طبیعی است، وجود چالش‌هایی جهت دستیابی زنان سرپرست خانوار به تعادل سالم بین کار و زندگی به عنوان یک اصل پایه زیستی می‌تواند منجر به استرس، کاهش رضایت شغلی و سلامت جسمی و روانی آنها شود. در همین رابطه یک ناظر - مدیر اجرایی با سابقه بیان می‌کرد: «واقعیتش برای رسیدگی به این موضوع، اولاً سیاست‌هایی را می‌توان قرار داد که مروج نگاه عادلانه‌تری نسبت به بهره‌برداری جنسیتی از موقوفات باشد. ثانیاً این مشکلات را می‌توان از طریق سیاست‌های اجتماعی جنسیتی، انعطاف‌پذیر کرد و شرایط فعالیت‌های اقتصادی را به نفع زنان بر پایه عایدات وقفی افزایش داد».

در اینجا می‌توان به دو پژوهش استناد کرد که نشان می‌دهند زنان چگونه در موقعیت‌های مشابه توانسته‌اند به خوبی کسب‌وکارها را توسعه دهند. یک نظرسنجی نشان می‌دهد درصد فزاینده‌ای از زنان مسلمان در شمال نیجریه که از بازارهایی مانند جومیا و کونگا و همچنین پلتفرم‌های اجتماعی همچون اینستاگرام و واتس‌آپ استفاده می‌کنند به دلیل اینکه محدودیتی برای آنها تعریف نشده نسبت به زنانی که در این شرایط قرار نداشتند در دستیابی به اهداف کسب‌وکار موفق‌تر بوده‌اند. این پلتفرم‌ها با اجازه دادن به زنان برای فروش محصولات، پذیرش پرداخت‌ها و تحویل آنها بدون نیاز

به ویتترین فیزیکی، هزینه‌های سربار را کاهش داده و محدودیت‌های استفاده از مکان‌های خاص را ندارند (Alkanchi et al., ۲۰۲۱).

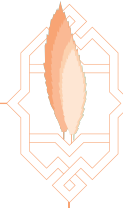
در پژوهش دیگری روسکا و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهند غالب زنانی که در شرکت‌های تجارت الکترونیک کار کرده و مواد غذایی، ظروف آشپزخانه، لوازم آرایشی و پوشاک می‌فروشند، امر تجارت الکترونیک را به گزینه‌ای مناسب برای تعامل اقتصادی تبدیل کرده‌اند؛ چرا که به افراد اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاری‌های تجاری خود را با مسئولیت‌های خانوادگی خود متعادل کنند. با وجود این، گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار هنگام راه‌اندازی و نگهداری مشاغل خانگی با چهار محدودیت اجتماعی عمده در بهره‌برداری از عایدات موقوفات مواجه بوده‌اند که رفع آنها می‌تواند به استفاده زنان از این عایدات وقفی منجر شود. این محدودیت‌ها عبارتند از:

۳-۱-۱. دسترسی محدود به سرمایه

غالب مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که بزرگترین مانع برای راه‌اندازی یا رشد کسب‌وکارهای خانگی‌شان کمبود بودجه است. آنها می‌گفتند: «مؤسسات مالی سنتی به دلیل تعصبات فرهنگی و الزامات وثیقه، غالباً این مؤسسات زنان سرپرست خانوار را از اختصاص بودجه به کسب‌وکارهای‌شان حذف می‌کنند». در همین رابطه زن دارای کسب‌وکار با تأکید بر این سرمایه اصلی‌ترین عنصر در ایجاد و استمرار فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای خرد است، تأکید می‌کرد «کسی بدون سرمایه به جایی نرسیده ما که هیچ توان مالی هم نداریم. آنچه وقف می‌تواند برای ما داشته باشد، نه تولید سرمایه برای ما بلکه تعریف سرمایه در فعالیت‌هایی است که سال‌ها است من و دوستانم مشغول آن هستیم و البته به سختی کسب درآمد می‌کنیم».

۳-۱-۲. محدودیت‌های فرهنگی

محدودیت‌های فرهنگی، محدودیت‌ها و تأثیراتی هستند که باورها، آداب و رسوم و ارزش‌های مشترک یک جامعه بر رفتار، تفکر و تعاملات افراد اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها می‌توانند هم به شکل تجویزی (آنچه مردم باید انجام دهند) و هم منعی (آنچه مردم نباید انجام دهند) باشند. آنها درک ما را از آنچه در یک زمینه فرهنگی خاص قابل قبول، مناسب و مورد انتظار است، شکل می‌دهند (Hofstede, ۱۹۹۳: ۸۸). در این خصوص یک برنامه‌ریز می‌گفت: «برخی اقشار جامعه، زنان سرپرست خانوار را



به‌عنوان کسانی می‌شناسند و به آنها برچسب می‌زنند که نتوانسته‌اند نقش همسری یا مادری خود را به خوبی ایفا کنند. این نگرش منفی سبب کاهش اعتماد به نفس و محدودیت‌های اجتماعی‌مان شده و به تبع مانع مشارکت کامل ما در فعالیت‌های اقتصادی شده است». در همین رابطه یک ناظر مجری بیان می‌کرد: «آزادی انتخاب، دسترسی به بازار و حضور در مکان‌هایی که مرتبط با کسب‌وکارمان است اغلب توسط سنت‌های غلطی که در جامعه وجود دارد، محدود می‌شود».

۳-۱-۳. مهارت‌های پایین کارآفرینی

مهارت در کارآفرینی مهمترین عامل در رونق‌بخشی و ترویج کسب‌وکارهای خانگی است. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که بسیاری از آنها فاقد دانش فنی، سواد مالی و هوش تجاری مورد نیاز برای مدیریت کسب‌وکارهای بلندمدت بوده و بخشی از این عایدات وقفی می‌توان صرف آموزش‌ها و مهارت‌ها در این حوزه شود. برای مثال یک ناظر مجری تأکید داشت: «ممکن است که یک زن سرپرست خانوار موفق به راه‌اندازی کسب‌وکاری شود اما از آنجایی که مهارتش پایین است، هم سرعتش در توسعه کار و شغلی کم خواهد شد و هم هر چه جلوتر می‌رود مسئله کسب‌وکار برای او پیچیده‌تر شده و نگهداشتن همین کسب‌وکار سبک هم برای او سخت‌تر می‌شود».

۳-۱-۴. وجود ناامنی اخلاقی

دسترسی به بازار، زیرساخت‌ها و سایر چشم اندازه‌های اقتصادی تحت تأثیر بی‌ثباتی و نوعی ناامنی اخلاقی از سوی مردان قرار دارد. در همین رابطه، زن فعال دارای کسب‌وکار می‌گفت: «علی‌رغم اینکه من پا به سن گذاشته‌ام اما در کسب‌وکارم هنوز زمان ارتباط با مردان دچار مشکل هستم. بارها شده که همین مسئله در کار من وقفه ایجاد کرده و مانع از رشد کسب‌وکار من شده است». زن فعال کسب‌وکار دیگری بیان می‌کرد: «بازار دست مردان است مگر آنکه شما شغلی داشته باشی که مثلاً از تولید به مصرف و صرفاً برای زنان باشد که خب طبیعی است رشد چندانی برای شما ندارد. با این حال، اگر بخواهی کسب‌وکار را بهتر کنی مجبوری با مردان در ارتباط باشی و تا زمانی که شرایطی به وجود نیاد که ما زنان خودمان به بازار دسترسی پیدا کنیم عملاً چیزی عاید ما نمی‌شود». با این حال، چنین چالش‌هایی می‌تواند بر بهره‌وری کسب‌وکارهای خانگی تأثیر منفی بگذارد و در موارد شدید منجر به فرسودگی این سنخ از مشاغل شود. برای رسیدگی به این مسائل، استراتژی‌هایی مانند مشخص کردن واضح مسئولیت‌ها، تقویت توزیع

عادلانه وظایف خانوادگی، و به رسمیت شناختن رسمی مشارکت زنان در مشاغل خانگی ضروری است. این اقدامات می‌تواند به کاهش فشارهای زنان سرپرست خانوار و افزایش مشارکت کلی و اثربخشی آنها در مشاغل خانوادگی کمک کند.

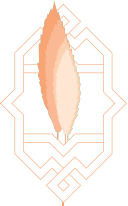
۴. نقش حمایت‌گری وقف از کسب‌وکار خانگی

دومین مضمون فراگیری که مشارکت‌کنندگان در خصوص نقش وقف در ترویج کسب‌وکارهای خانگی‌شان در گفتارهای‌شان به آن اشاره می‌کردند، جنبه حمایت‌گری وقف در عرصه کسب‌وکار خانگی بود. این مضمون از پاسخ مشارکت‌کنندگان به این سؤال کشف شد که «آیا وقف می‌تواند از کسب‌وکار زنانی که سرپرست خانوار هستند، حمایت کرده و به آنها کمک کند؟» در همین رابطه یک برنامه‌ریز بیان می‌کرد: «به نظر من وقف اگر توان حمایت نداشته باشد، باید در اصل آن شک و تردید کرد. آنقدری که من می‌دانم هیچ ایده و نکته‌ای در اسلام نیست که بدون منفعت برای عموم جامعه طرح شده باشد. ادارات وقف دست‌کم در استان‌هایی که توان مدیریت عایدات موقوفات را دارند از کارگاه‌ها خانگی دوخت‌ودوز گرفته تا پروژه‌های توسعه مهارت و برگزاری دوره‌های آموزشی مشاغل خانوادگی از زنان سرپرست خانوار حمایت کنند و کارایی و رقابت کسب‌وکار را بهبود بخشند».

در همین راستا، ایده حمایت وقف از کسب‌وکارها نظریه نوروبانی و همکارانش را تأیید می‌کند. آنها معتقدند: «وقف با پیشبرد رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی، یک نهاد اجتماعی-اقتصادی است که برای توسعه پایدار ضروری است. سرمایه اولیه، ثبات مالی، ظرفیت‌سازی، توسعه مهارت‌ها، دسترسی به بازارها و شبکه‌ها، نوآوری و تنوع، حفظ دارایی، آموزش شیوه‌های اخلاقی در کسب و کار همگی مضامین مربوط به حمایت‌گری وقف در عرصه کسب‌وکارهای خانوادگی است» (Nurbani et al, 2011: ۱۶۸). باوجوداین، مشارکت‌کنندگان بر دو جنبه از حمایت‌گری وقف تأکید می‌کردند که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۴-۱. حمایت‌گری مالی

در واقع، نهاد وقف می‌تواند با ارائه منابع مالی، توسعه مهارت‌ها و سوق مشاغل به سمت توسعه اجتماعی-اقتصادی گسترده‌تر، مشاغل خانگی را به طور پایدار رونق بخشد. علاوه‌براین، نهاد وقف ممکن است کمک‌های بلاعوض، وام یا مشارکت مالکیت ارائه دهد،



که همه اینها می‌تواند خطرات حوزه سرمایه‌گذاری را از سمت زنان کاهش داده و به کسب‌وکارهای خرد آنها کمک کند تا بتوانند کمتر تجربه‌گر رکود اقتصادی در همان کسب‌وکارهای خرد باشند. در همین رابطه یک زن فعال دارای کسب‌وکار می‌گفت: «من در مورد وقف شنیده‌ام، اما واقعا نمیدونم که وقف چگونه می‌تواند به راه‌اندازی یا رشد یک کسب‌وکار کمک کند. ما در خانواده خودمون یه کسب‌وکار کوچک داریم، اما برای اینکه بتوانیم آن را گسترش دهیم پول کافی نداریم. اگر وقف می‌توانست از زنانی مانند من حمایت کند، فکر می‌کنم اون موقع تفاوت را به خوبی حس می‌کردید. به‌طورمثال، بسیاری از زنان نه اینکه نتوانند وام اشتغال‌زایی بگیرند بلکه دردسریزادی دارد و دسترسی به آن برای آنها سخت است. بنابراین چیزی مانند وقف می‌تواند یک نعمت واقعی باشد و از آنها حمایت کند».

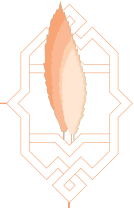
یک برنامه‌ریز جهت تأیید گفتار پیشین تأکید می‌کرد: «سازمان اوقاف به زنان سرپرست خانوار پول اولیه و وام‌های بدون بهره بدهد تا بتوانند کسب‌وکارهای متوسط راه‌اندازی کنند. این کمک‌های بلاعوض می‌تونه به روش‌هایی داده بشه که توانایی مالی زنان رو در بازپرداختش در نظر بگیره». نزدیک به همین گفتار یک ناظر - مجری بیان می‌کرد: «در حال حاضر، وقف در درجه اول برای اهداف آموزشی و بهداشتی استفاده می‌شود، اما پتانسیل هدایت برخی از این کارها برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک وجود داره. با این حال، این روند می‌تونه پیچیده باشه و بسیاری از زنان نمی‌دونند که وقف میتونه برای توسعه تجارت مورد استفاده قرار بگیره. من فکر می‌کنم به طراحی برنامه‌های بیشتری برای حمایت از زنان کارآفرین نیاز هست. به عنوان مثال، وقف رو میشه به سمت ارائه وام‌های کم‌بهره یا حتی مشروط به درآمد یا کمک‌های بلاعوض برای تأمین هزینه‌های مربوط به کسب‌وکار هدایت کرد. در هر صورت، افزایش آگاهی در مورد نحوه کار وقف و توضیح چگونه استفاده از اون در مشارکت با گروه‌های زنان و راهنمایی اونها بایستی در اولویت اداره وقف باشه»

برخی از پژوهش‌ها این ایده را تأیید کرده و نشان می‌دهد که چگونه وجود صندوق‌های وقف به‌ویژه برای مشاغل خانگی سودمند هستند؛ «زیرا می‌توان از آنها برای تأمین منابع مالی ابتکارات تحقیق و توسعه یا ارائه منابعی برای تنوع تجاری استفاده کرد. همچنین، به‌منظور اطمینان از دوام بلندمدت و بهره‌مندی از نسل‌های آینده، دارایی‌های وقف را می‌توان به شرکت‌های دانش‌بنیان اختصاص داد» (Hanif et al, 2010: 12). باین‌حال،

آنچه در این میان جنبه حمایت‌گری مالی را تقویت می‌کند وجود سازوکاری است که بتواند دسترسی زنان به بازار کسب‌وکار را تسهیل نماید. طبیعی است، چرخه مالی تا زمانی ابزاری برای تقویت کنشگر تجاری است که افراد بتوانند هویتی فراتر از این چرخه در بازار بیابند. در همین رابطه، یک برنامه‌ریز می‌گفت: «علاوه بر اینکه از عایدات وقف همیشه به لحاظ مالی از زنان سرپرست خانوار برای راه‌اندازی یه کسب‌وکار کوچک حمایت کرد، میشه پیشنهاد داد تعاونی‌های تحت حمایت وقف ایجاد کرد که با فراهم کردن مکان‌هایی برای فروش محصولات و امکان شبکه‌سازی این محصولات به ماها کمک کنند تا وارد بازار بشیم».

۴-۲. حمایت‌گری اجتماعی

جنبه دیگر حمایت‌گری وقف، حمایت‌گری اجتماعی است؛ به این معنا که نهادهای وقف با کمک به کسب‌وکارهای متعلق به زنان، می‌توانند وضعیت زنان را در خانواده‌ها و جوامع خود ارتقاء داده و با نقشی که در جامعه به دست می‌آورند به آنها نوعی هویت اجتماعی جدید دهند. در همین رابطه یک برنامه‌ریز بر این باور بود که «شما شک نکنید زنان سرپرست خانوار به واسطه همین حمایتی که از سمت نهادهای وقفی ما میشن به یک هویت جدایی از آنچه جامعه از شون سراغ داره دست پیدا می‌کنند که این هویت زنان رو به عنوان یک مولد یا تسهیل‌گر امور تجاری به جامعه خودشون معرفی می‌کنه». این گفتار بر این نکته تأکید می‌کند که پویایی بهتر خانواده و تصمیم‌گیری مشارکتی در خانه دو مزیت این حمایت‌گری است که وقف برای آنها ایجاد کرده است. از سوی دیگر، آنچه می‌تواند جنبه حمایت‌گری اجتماعی وقف را در خصوص زنان تقویت کند، به‌کارگیری شیوه‌هایی است که به رشد کارآفرینی زنان و توانمندسازی آنها در این عرصه کمک می‌کند. کارگاه‌های برنامه‌ریزی مالی، تاکتیک‌های بازاریابی و مدیریت کسب‌وکار نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند نقش جدی در این توانمندسازی داشته باشد. این ابتکارات ابزارهای مورد نیاز زنان را برای اداره موفقیت‌آمیز کسب‌وکارهای خانگی خود در اختیار آنها قرار می‌دهد (Iman & Tahir, 2017: 150). باین‌حال، برخی پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که هم در جنبه حمایت‌گری مالی و هم حمایت‌گری اجتماعی وقف از کسب‌وکار زنان، باید بر موانع متعددی غلبه کرد. این موانع شامل مدیریت مؤثر، دانش و سهولت دسترسی به فرصت‌های وقف و حمایت از سیاست‌های اجتماعی دولت است. با در نظر گرفتن همه چیز، نهاد وقف ظرفیت عظیمی برای کمک



و تقویت گسترش مشاغل خانگی خواهد داشت و بقای بلندمدت، انعطاف‌پذیری و پابندی زنان به اصول اخلاقی و اجتماعی را تضمین خواهد کرد (Salarzahi et al, ۲۰۱۰: ۱۸۲).

۵. تأثیر مداخلات مبتنی بر وقف

این مضمون به این معناست که وقف از نگاه مشارکت‌کنندگان می‌تواند به لحاظ اقتصادی زنان سرپرست خانوار را توانمند کرده و در زندگی خانوادگی آنها تأثیرگذار باشد. مشارکت‌کنندگان تأکید می‌کردند که مداخلات موجب تغییرات اساسی در زندگی زنان سرپرست خانوار می‌شود. به عبارت دیگر، این نهاد علاوه بر اینکه توانایی تغییر زندگی زنان سرپرست خانوار را بر مدار توسعه مشاغل خانگی به‌واسطه وقف دارد، همچنین با رفع شکاف‌های موجود در زیرساخت‌ها، آموزش و امور مالی، زنان را قادر می‌سازد تا از نظر اقتصادی مستقل شوند. باین‌حال، پژوهش‌ها نیز این مضمون را تأیید کرده و نشان می‌دهند «بهبود و توسعه نظام مالی خانوادگی، توسعه مهارت و ظرفیت‌سازی، دسترسی خانواده به زیرساخت‌ها و منابع، ارتباطات و شبکه‌سازی بازار، ارتقای برابری اجتماعی و اقتصادی، حفظ مهارت‌های فرهنگی و سنتی، تقویت تاب‌آوری خانوار و جامعه، ترویج شیوه‌های اخلاقی کسب و کار، ارتقای تعادل کار و زندگی و سیستم‌های حمایتی مبتنی بر جامعه برخی از تأثیراتی است که وقف می‌تواند بر زندگی خانوادگی زنان بگذارد» (Sukmana, ۲۰۲۰).

باوجوداین، همین پژوهش‌ها بر این باورند، مداخلاتی که وقف می‌تواند در توانمندسازی خانواده داشته باشد، با موانعی همچون مدیریت ناکارآمد، موانع فرهنگی، عدم آگاهی و کمبود منابع مواجه هستند. از این رو، کمپین‌های آگاهی، حمایت دولتی و مذهبی از سیاست‌ها، همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های بین‌المللی و آموزش مدیران وقف برای افزایش ظرفیت آنها از جمله راهکارهایی است که به‌واسطه آنها می‌توان بر این موانع غلبه کرد (Senghore, ۲۰۲۳: ۵۷).

بررسی گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که وقف سه تأثیر مهم بر نظام زندگی اقتصادی زنان سرپرست خانوار داشته دارد:

۵-۱. افزایش درآمد خانوار

زنان تأکید داشتند برنامه‌هایی که ادارات اوقاف از عایدات وقف در خصوص کسب‌وکارهای خانگی‌شان رقم زده موجب افزایش درآمد خانوار شده است؛ چون به آنها اجازه داده که

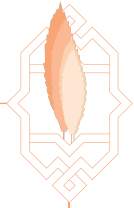
دسترسی بهتری برای خانواده‌های خود به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و تغذیه فراهم کنند. در همین رابطه یک زن فعال دارای کسب‌وکار می‌گفت: «استفاده از عایدات وقفی که یکیش همین برنامه‌هایی هست که برای ما می‌گذارن واقعاً تأثیر خیلی مثبتی روی زندگی کاری خودم و به تبع خانواده‌ام گذاشته. درآمد حاصل از کمک‌هایی که از عایدات وقفی به کسب‌وکارم شده تونسته هزینه‌های روزمره مانند خرید مایحتاج خانواده، هزینه آموزش بچه‌ها یا درمان را تأمین کنه، به من احساس امنیت و آرامش بیشتری داده؛ چون دیگه نگرانی زیادی درباره مخارج خونه ندارم و می‌تونم بهتر روی آموزش و سلامت خانواده تمرکز کنم».

۵-۲. پایداری کسب‌وکارهای خانگی

نکته دیگری که مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید می‌کردند، این بود که عایدات وقفی موجب شده که کسب‌وکارهای خانگی‌شان به ثبات رسیده و پایدار بماند. در واقع، با کاهش ریسک‌های مالی و تشویق به گسترش کسب‌وکار، عایدات موقوفات به کسب و کارهای خانوادگی کمک کرد که بر رکود اقتصادی غلبه کنند. در همین خصوص، یک ناظر-مدیر اجرایی بر این باور بود که «وقف نقش بسیار مهمی در پایداری و تثبیت کسب و کارهای خانگی دارد. وقتی فردی دارایی یا تجهیزات خودش رو وقف می‌کند، این دارایی‌ها می‌تونن به عنوان سرمایه‌ای برای توسعه و استمرار کسب‌وکار مورد استفاده قرار بگیرن. مثلاً، وقف می‌تونه منابع مالی، ابزار، مواد اولیه یا حتی مکان کسب‌وکار باشه که در اختیار صاحب کسب و کار قرار می‌گیره. این کمک‌ها باعث می‌شن که کسب‌وکار خانگی دیگه وابسته به نوسانات مالی نباشه و در طول زمان دوام بیاره. یک برنامه‌ریز با تأیید گفتار قبلی بیان می‌کرد: «وقف تا حد زیادی می‌تونه اعتماد و انگیزه افراد رو برای فعالیت‌های اقتصادی تقویت کنه، چون می‌دونن دارایی‌شون به قول امروزی‌ها دیس بک می‌خوره و مجدداً در مسیر کار خیر و نیکوکارانه قرار داده میشه و پایداری اون رو تضمین می‌کنه».

۵-۳. بهبود انسجام خانواده

تأثیر دیگری که زنان به آن اشاره داشتند، بهبود انسجام خانواده در شرایط استفاده از عایدات وقفی برای کسب‌وکار خانگی بود. به عقیده آنها با همین عایداتی وقفی که صرف حفظ و رشد کسب‌وکارهای خانگی‌شان شده فشار مالی آنها کاهش یافته و باعث همکاری و هماهنگی بیشتر در خانواده‌ها شده است. یک زن فعال دارای کسب‌وکار



می‌گفت: «عایدات وقفی باعث شده که کسب‌وکارم به‌واسطه همین عایدات وقفی به رشدی می‌کنه و درآمد رو صرف نیازهای خانواده می‌کنم، حس می‌کنم که خانواده‌ام بیشتر کنار هم قرار دارند، هدف مشترک دارند، احساس مسئولیت بیشتری می‌کنن و همکاری بیشتری با همدیگه دارند؛ چون می‌فهمن که چیزی که داریم، مال همه‌س. مثلاً، بچه‌ها می‌فهمن که این درآمد برای تعلیم و آموزش اون‌ها استفاده میشه و باید قدردان باشن، و من هم هر بار می‌تونم با این کمک، بهتر و راحت‌تر به نیازهاشون رسیدگی کنم. همچنین، وقتی خانواده‌م در کنار هم جمع می‌شیم، در کنار استفاده از این درآمد، با هم صحبت می‌کنیم و بیشتر به هم دلگرم می‌شیم. این همکاری و گفت‌وگوهای مشترک، باعث میشه اعتماد و الفت بین‌مون قوی‌تر بشه و روابط خانوادگی‌مون به سمت محبت و احترام بیشتری بره». یک زن فعال دارای کسب‌وکار دیگری می‌گفت: «این رونق‌گرفتن کسب‌وکار خانگی‌م بواسطه عایدات وقفی نه تنها زندگی اقتصادی‌مون رو بهتر کرده، بلکه در درون خانواده هم حس یکنواختی، همبستگی و محبت رو بیشتر کرده و روابط‌مون رو محکم‌تر ساخته». این نتایج نشان می‌دهد که مداخلات وقف علاوه بر برآورده کردن نیازهای مالی فردی، بر رفاه خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد.

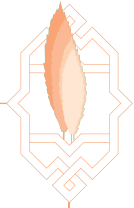
از مضامین سازمان‌دهنده دیگری که به ساخت این مضمون فراگیر کمک کرد، «پیوند وقف با دیگر چارچوب‌های ناظر به توسعه» بود. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند زنان سرپرست خانواری که مشاغل خانگی دارند، از جمله جمعیت‌های محرومی هستند که توسعه اجتماعی-اقتصادی آن‌ها می‌تواند تا حد زیادی با پول وقف تحقق یابد. با این حال، در صورتی مداخلات وقف در جهت ترویج کسب‌وکار آنها مؤثر است، که بتوان وقف را با چارچوب‌های دیگری که موجب توسعه گسترده‌تر می‌شوند، پیوند داد. تأکید آنها بر این مضمون این دیدگاه را تأیید می‌کرد که «وقف می‌تواند با طرح برنامه‌های ملی، مشارکت با اهداف توسعه محیطی، ادغام با نهادهای تأمین مالی خرد، سازمان‌های غیردولتی، مدل‌های توسعه مبتنی بر جامعه، نظارت و ارزیابی در چارچوب‌های توسعه، استفاده از فناوری برای ترویج نوآوری، مشارکت با بخش خصوصی در تأمین مالی مشترک و یا تأمین منابع گامی مؤثر در ترویج فعالیت‌های گوناگون بردارد» (Hasbul & Ab Rahman, ۲۰۲۳: ۳۴). در حقیقت، این نظریه نشان می‌دهد که وقف چگونه با دیگر چارچوب‌های درون نظام اجتماعی مرتبط بوده و مؤثر در ترویج مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار خواهد بود. در بررسی گفتارهای مشارکت‌کنندگان به دست آمد که وقف

در پیوند با چهارچوب‌های چهارگانه‌ای زیر می‌تواند موجب توسعه و ترویج کسب‌وکارها در حوزه زنان سرپرست خانوار شود.

نخست؛ چارچوب اقتصادی و مالی است؛ به این معنا که نهاد وقف باید تلاش کند هرگونه سیاستی که منجر به توسعه اقتصادی و مالی برای یک کسب‌وکار مطلوب شود را فراهم سازد. یک برنامه‌ریز در توضیح این چارچوب بیان می‌کند: «وقف باید به صورت کارآمد و هدفمند در قالب صندوق‌ها یا مؤسسات مالی خیریه وارد شود که بتواند تسهیلات کم‌بهره یا رایگان و سرمایه اولیه برای راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارهای خانگی زنان سرپرست خانوار را فراهم نموده و آنها را در مسیر کسب درآمد پایداری هدایت کند».

دوم؛ چارچوب توسعه انسانی و آموزش است. در همین زمینه، یک ناظر-مدیر اجرایی می‌گفت: «برای اینکه کسب‌وکارهای زنان سرپرست خانوار تقویت شود عایدات وقفی باید در جهت آموزش مهارت‌های فنی و کسب‌وکار، برنامه‌های توانمندسازی شخصیت و آموزش‌هایی در حوزه فناوری و دیجیتال برای زنان سرپرست خانوار به کار گرفته شود تا آنها بتوانند در بازار رقابت یا دست‌کم در فروش محصولات خودشان، مؤثرتر حاضر شوند». سوم؛ تأکید مشارکت‌کنندگان بر پیوند وقف با چارچوب توسعه اجتماعی و فرهنگی و نقش آن در بهبود وضعیت خانواده‌های زنان سرپرست خانوار بود. یک برنامه‌ریز بیان می‌کند: «وقف می‌تونه با ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی و اعتماد در میان خانواده‌های سرپرست زن، نقش مهمی در توسعه و پایداری کسب‌وکارهای خانگی ایفا کنه. برگزاری جلسات مشورتی و شکل‌گیری شبکه‌های حمایتگر می‌تونه کمک کنه که این خانواده‌ها احساس امنیت بیشتری داشته باشند و بتوانند در مسیر کسب‌وکارهای خانگی‌شون پایداری و ثبات بیشتری ایجاد کنند». در همین خصوص، یک ناظر-مدیر اجرایی می‌گفت: «وقف به عنوان یک ابزار فرهنگی و اجتماعی، می‌تونه اعتماد، همبستگی و حمایت‌های لازم رو برای خانواده‌های آسیب‌پذیر فراهم کنه و در نتیجه، به توسعه فرهنگی و اجتماعی اون‌ها کمک کنه».

چهارم؛ «ارتباط و همکاری نهاد وقف با نهادهای محلی و شهری و منطقه‌ای» به‌عنوان آخرین چارچوب در نگاه مشارکت‌کنندگان بود. در این چارچوب، نهاد وقف می‌تواند با همکاری نهادهای محلی و سازمان‌های توسعه منطقه‌ای، پروژه‌های کوچک و پربازدهی را طراحی کند که مشکلات و نیازهای خاص هر منطقه در آن مدنظر قرار گیرد. در همین رابطه یک برنامه‌ریز با تجربه کار در مناطق محروم می‌گفت: «من معتقدم کسب‌وکارهای



زنانی که اتفاقاً از طبقات پایین جامعه هستند، میتونه جهت پیدا کنه به سمت اینکه دست‌کم نیازهای منطقه خودشو برطرف کنه. اگه توان موقوفات را در جهت حل مسائل بومی یه منطقه قرار بدیم به نظر من میشه با یه همکاری ساده همین خانم‌ها رو واسشون کارهای جدیدی تعریف کرد که هم اونا به لحاظ معیشت اقتصاد تقویت بشن و هم مشکلی از مشکلات منطقه رو حل کنند.»

در مجموع، ادغام وقف با این چارچوب‌ها باید منجر به ساختارهای پایدار، جامع و هدفمند شود که در کنار حمایت‌های مالی، آموزش و توسعه زیرساخت‌ها، شرایط مناسب برای زنان سرپرست خانوار فراهم کند تا بتوانند در قالب کسب‌وکارهای خانگی، ضمن تأمین معیشت خود، نقش فعال‌تری در توسعه معیشت خودشان ایفا کنند.

۶. شکاف‌های موجود در مدیریت و اجرای وقف

مضمون فراگیر دیگری که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره می‌کردند شکاف‌های موجود بین مدیر و اجرای وقف و تأثیر آن بر کسب‌وکارهای خانگی زنان بود. از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد چه تصویری از عواملی دارند که موجب می‌شود در مشارکت‌دادن دارایی‌های وقف جهت ترویج کسب‌وکارهای خانگی زنانی مثل آنها خلل ایجاد کند. مشارکت‌کنندگان در پاسخ به این سؤال تأکید داشتند، اگرچه وقف نقش مهمی در ارتقای رشد اقتصادی، رفاه و تاب‌آوری اجتماعی ایفا کرده است، اما وجود شکاف‌های مدیریتی و اجرایی به‌ویژه در محیط‌ها و شرایط جدیدی که زنان قرار است فعالیت اقتصادی انجام دهند، مانع از چنین امری شده است. برخی از پژوهش‌ها این گفتار مشارکت‌کنندگان را تأیید کرده و به لحاظ تجربی نشان می‌دهند که: «فقدان آگاهی و درک، داده‌ها و اسناد ناکافی، حکمرانی ضعیف و سوء مدیریت، فقدان تخصص لازم، موانع اجتماعی-فرهنگی، تکه‌تکه شدن و عدم هماهنگی، عدم یکپارچگی تکنولوژی، مداخله سیاسی، نظارت و ارزیابی ضعیف و عدم ادغام با اهداف انکشافی از جمله این شکاف‌ها است» (Alkanchi et al, ۲۰۲۱: ۷۸). در این میان، نظام‌های حکمرانی ناکارآمد بیش از عوامل دیگر منجر به فساد و از دست‌رفتن دارایی‌های وقف شده، مشارکت‌کنندگان را از استمرار کنش دینی نظیر وقف منصرف کرده و اعتماد عمومی را که مبتنی بر سرمایه اجتماعی حاصل از وقف است، از بین خواهد برد. در همین رابطه یک برنامه‌ریز بیان می‌کرد: «به عقیده من این نوع استفاده‌ها از وقف هنوز در نگاه حکمرانی ما جای درست خودشو پیدا نکرده. به نظر من دلیل اصلی این

ضعف هم در سوء مدیریت تحقق وقف و هم در اجرای اون وجود داره».

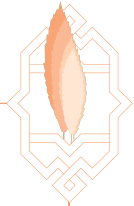
در همین رابطه و در جهت تأیید گفتار مشارکت‌کننده قبلی، یک ناظر-مدیر اجرایی بیان می‌کرد: «نهادهای وقف اغلب به طور مستقل و با حداقل همکاری یا استانداردسازی عمل می‌کنند که منجر به ناکارآمدی، رقابت گروه‌های مختلف مثل زنان برای دسترسی به منابع اون هم کمیاب و یا انجام کسب‌وکارهای تکراری است». یک ناظر-مدیر اجرایی دیگری با ضروری دانستن استقلال در نهادهای وقف بر این باور بود که «استقلال و مأموریت و شاید بهتر بگم مشروعیت نهاد وقف گاهی اوقات به دلیل اهداف سیاسی و فقدان یکپارچگی در روابط خودش با ذی‌نفعان دچار مشکلات جدی و حتی خطر میشه». مضمون سازمان‌دهنده دیگری که دال بر شکاف در مدیریت و اجرای نظام وقف به نفع زنان سرپرست خانوار بود، ضعف در اداره و اجرای وقف است. بررسی گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که چندین عامل کلیدی در اداره و اجرای وقت در حوزه کسب‌وکار زنان نقش دارند که مانع از دستیابی آنها به استفاده از ظرفیت کامل وقف در این حوزه می‌شوند. این عوامل عبارتند از:

۶-۱. عدم تمرکز استراتژیک

در همین رابطه یک برنامه‌ریز برجسته بیان می‌کرد: «برنامه‌های هدفمند برای توسعه اقتصادی زنان در بسیاری از نهادهای وقف وجود ندارد. اکثر ابتکاراتی که به کار برده شده، کلی هستند و الزامات منحصر به فرد زنان سرپرست خانوار شاغل در مشاغل خانگی را در نظر نمی‌گیرند». این گفتار را نظریه ویز نیز تأیید می‌کند که «با پرکردن شکاف‌های موجود در زیرساخت‌ها، آموزش و امور مالی، ابتکارات مبتنی بر وقف این پتانسیل را دارند که مشاغل خانگی را متحول کنند. از این‌رو، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت مؤثر و مشارکت ذی‌نفعان برای موفقیت این مداخلات به منظور به حداکثر رساندن تأثیر و پایداری ضروری است» (Weiss, 2020).

۶-۲. دانش ناکافی

شاید پرتکرارترین مضمون در گفتارهای مشارکت‌کنندگان اجماع بر این است که بخش قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار هنوز از برنامه‌های وقف و مزایای احتمالی آنها بی‌اطلاع هستند که این امر میزان مشارکت را محدود کرده و به حداقل می‌رساند. در همین رابطه یک زن فعال دارای کسب‌وکار می‌گفت: «وقف یک ابزار قدرتمند در اسلام برای حمایت از مردم عادی و طبقات پایین جامعه است و ظرفیت اون برای کمک به



زنان، به‌ویژه در کسب‌وکار، قابل توجه است. اسلام هم مردان و هم زنان را تشویق می‌کند که در فعالیت اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند. با این حال، استفاده از وقف برای این منظور هنوز گسترده نیست و خیلی از زن‌هایی که اینجا رفت و آمد می‌کنند و به دنبال یه کاری هستند هنوز نمی‌دوند که چگونه و چطور میشه به عایدات وقفی برای توسعه کاروکسب خودشون دسترسی پیدا کنند. در حالی نهاد وقف وظیفه‌ش نسبت به این مسئله شفاف‌سازی است».

۳-۶. محدودیت‌های منابع

مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که سازمان‌های وقف اغلب با مسائل اداری و مالی دست و پنجه نرم می‌کنند که ظرفیت آنها را برای رشد و حفظ برنامه‌ها در حوزه کسب‌وکار محدود می‌کند. در همین رابطه یک برنامه‌ریز می‌گفت: «به نظر من، ما عمدتاً در بخش منابعی که متصل به وقف هست و قراره که از این منابع حالا چه انسانی و چه مادی برای کسب‌وکارهای ما استفاده بشه محدودیت داریم. وقتی منابع مالی، تجهیزات، یا حتی زمان و نیروی تخصصی کافی در اختیار نباشه، مدیران و مجریان نمی‌تونن به شکل کامل و مؤثر روندی که ما در همین کسب‌وکار کوچک خودمون دنبال می‌کنیم رو پشتیبانی کنند. این محدودیت‌ها باعث میشه کارهایی که ما داریم انجام میدیم به صورت ناتمام یا ناقص اجرا بشن، و در نتیجه، زنان با مسئولیتی که به لحاظ خانوادگی بر دوششون هست از حمایت لازم بهره‌مند نشن».

در جهت تأیید همین نکته و البته بیان عامل آن، یک ناظر-مدیر اجرایی بیان می‌کرد: «ضمن اینکه، در شرایط کمبود منابع، ممکنه تصمیمات در مورد اولویت‌بندی و تخصیص منابع براساس ملاحظات کوتاه‌مدت یا سیاسی انجام بشه، نه بر اساس نیازهای واقعی و اولویت‌هایی که ما زنها در کسب‌وکار خودمون به اون احتیاج داریم. این موضوع باعث میشه اعتماد زنان به نظام حمایت و اجرای وقف کم بشه و فاصله بین مدیریت و اجرا عمیق‌تر بشه. بنابراین، حل این مشکل نیازمند تلاش برای افزایش و تخصیص بهینه منابع و هم‌چنین، استفاده بهتر و هوشمندانه‌تر از منابع موجود هست».

۴-۶. نظارت و ارزیابی

آنچه موجب برساخت این مضمون شد، پاسخ مشارکت‌کنندگان به این سؤال بود که آیا در نهاد وقف سازوکاری قوی و کافی برای پیگیری و به نتیجه رسیدن ابتکاراتی که در حوزه وقف صورت می‌گیرد و یا جمع‌آوری نظرات ذینفعان وجود دارد؟ در همین

راستا، یک برنامه‌ریز می‌گفت: «وقتی نهادهای مربوطه، نظارت منظم و دقیقی بر روند پشتیبانی و توسعه این کسب‌وکارها نداشته باشند، ممکنه اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ها دچار ضعف‌هایی بشه و اهداف اصلی ترویج کسب‌وکارهای خانگی زنان به خوبی محقق نشود. این موضوع می‌تونه باعث بی‌اعتمادی میان کسانی که عایدات موقوفات رو مدیریت می‌کنند و زنان کارآفرین بشه». یک برنامه‌ریز دیگری علاوه بر تأیید نگاه قبلی می‌گفت: «به نظر من اگه نظارت و ارزیابی‌ها شفاف و منظم باشند، می‌توان این فاصله و شکاف را کاهش داد و رشد و پایداری کسب‌وکارهای خانگی زنان را بهتر مدیریت و تضمین کرد». به‌طور کلی، این گفتار و نظایر آن نشان می‌دهد، دولت باید چارچوب‌های قانونی کاملی برای نظارت ایجاد کرده، مدیریت حرفه‌ای را در این حوزه بهبود بخشد، از فناوری استفاده کند، آگاهی را افزایش داده و با ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی فراگیر پروژه‌های وقف را با برنامه‌های انکشافی ملی و بین‌المللی تطبیق دهد.



نتیجه‌گیری

این مطالعه تجربی بر پایه گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان داد که وقف چگونه و براساس چه پیشنهادهاتی می‌تواند در ترویج کسب‌وکارهای زنان سرپرست خانوار ایفای نقش کند. به عقیده آنها اگرچه، کسب‌وکار خانگی زنان در جامعه بیش‌وکم رایج است، اما زنان با چالش‌های زیادی از جمله دسترسی محدود به منابع مالی، عدم آگاهی نسبت به موقوفات اقتصادی، عدم وجود اقدامی فراگیر برای استفاده زنان از این موقوفات، دسترسی محدود به تصمیم‌گیری‌ها و البته محدودیت‌های جنسیتی در جذب موقوفات مواجه‌اند. با این حال، عایدات و برنامه‌هایی که با تمرکز بر درآمدهای وقف در حوزه کسب‌وکار برای زنان هزینه و طراحی می‌شود، به آنها کمک می‌کند علاوه بر برخورداری از حمایت مالی، در چگونگی کارآفرینی و توانمندسازی اجتماعی آموزش لازم دیده و بر موانعی همچون مهارت‌های تجاری پایین، هنجارهای فرهنگی و دسترسی محدود به پول غلبه کنند. با وجود این، وقف با مداخلاتی که در حوزه کسب‌وکار دارد به میزان زیادی موجب افزایش مشارکت اجتماعی زنان در این حوزه شده، پایداری مشاغل خانگی را به‌همراه داشته، موجب افزایش درآمد خانوار شده و بهبود انسجام در خانواده و رفاه اجتماعی آن گردیده است. اما نتایج همچنین به کاستی‌های جدی در اداره و اجرای برنامه وقف اشاره دارد. این موارد شامل سیستم‌های نظارت و ارزیابی ناکافی، فقدان مداخلات وقف با تمرکز بر زنان سرپرست خانوار و عدم آگاهی آنها در مورد گزینه‌های وقف و محدودیت منابع است. براساس این گزارش تقویت کمپین‌های آگاهی‌یابی، تقویت ظرفیت‌سازی، بهبود بسیج منابع، ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی، پیوند دادن وقف با دیگر چارچوب‌های توسعه و توجه به مشارکت‌های دولتی و خصوصی پیشنهاد می‌شود.

کتاب نامه

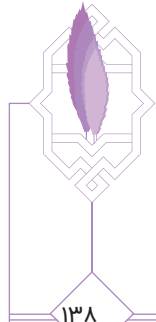
- الضحیان، عبد الرحمن بن ابراهیم بن حسن (۱۴۲۰ق)، *الاولیاف و دورها فی تشیید بنیه الحضاره*، السعودیه: نادي المدينة المنورة الأدبی الثقافی.
- جعفریان، مجید (۱۴۰۰)، رویکردی کیفی به فهم طلاب از نزاهات اخلاقی در عمل به وظیفه طلبگی و اخلاقی روزمره. *فصل نامه اخلاق کاربردی*، ۱۱ (۴۴)، صص: ۴۵-۷۶.
- دربان آراسته، علیرضا؛ رضوانی، محمدرضا؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ هاجری، بهرام (۱۳۹۸)، تحلیل فضایی پرکنش زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد در سطح کشور و ارتباط آن با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، *فصل نامه زن و جامعه*، ۹ (۳۸)، صص: ۶۹-۱۹۴.
- صادقی فسائی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی، *فصل نامه زن در فرهنگ و هنر*، ۱ (۱)، صص: ۸۴-۶۳.
- صادقی فسائی، سهیلا (۱۳۹۶)، *گفتمان ها و خانواده ایرانی*، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کرمی قهی، تقی (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، *فصل نامه برنامه ریزی و رفاه اجتماعی*، ۴ (۱۳)، صص: ۷۵-۴۱.
- Alkanchi, H. M., Md Yusoff, Y., & Mohammed, Z. A. (2021). The significance of Muslim families awareness in promoting entrepreneurship development in Sokoto state, Nigeria, *AL-BASIRAH Journal*, 11(2), 69-83.
- Babacan, M. (2011), Economics of Philanthropic Institutions, Regulation and Governance in Turkey, *Journal of Economic and Social Research*, 13(2), 61-89.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brock, D.D. and Steiner, S. (2010), *Social Entrepreneurship: Be the Change*, Social Entrepreneurship Program. In Fukukawa, K. Corporate Social Responsibility and Local Community in Asia, Routledge.
- Creswell, J. W. (2014), *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Sage Publications.
- Foss, N. J., & Klein, P. G. (2009), *Entrepreneurial Alertness and Opportunity Discovery: Origins, Attributes, Critique*, Aldershot, UK: Edward Elgar (forthcoming).
- Golbeck, S., & Linetsky, V. (2013), Asset Financing With Credit Risk, *Journal of Banking and Finance*, 37(1), 43-59.
- Hanif, M., & Iqbal, A. M. (2010), Islamic Financing and Business Framework : A Survey, *European Journal of Social Sciences*, 15(4), pp 1-18.
- Hasbullah, Nurul Adilah, Ab Rahman, Asmak (2023), A theoretical study on the success elements of endowment in Malaysian public, *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, 35(2), 31-38.
- Hofstede, G (1993), *Cultural Constraints in Management Theories*, Academy of Management Executive, 7, pp 81-94.



- Iman, Abdul & Tahir, Mohammad Sabit Haji Mohammad(2017), Waqf as a framework for entrepreneurship, *Journal of Humanomics*,33(1),1-29.
- Ismail Abdel Mohsin, M. (2013), Financing Through Cash-Waqf: A Revitalization to Finance Different Needs, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 6(4), 304–321.
- Jiao, H., Cui, Y., Zhu, Y., & Chen, J. (2014), Building Entrepreneurs' Innovativeness Through Knowledge Management: The Mediating Effect of entrepreneurial Alertness, *Technology Analysis & Strategic Management*, 26(5), 501-516.
- Lee, J., & Kwon, K. (2002), Consumers' Use of Credit Cards: Store Credit Card Usage as an Alternative Payment and Financing Medium, *The Journal of Consumer Affairs*, 36(2), 239-262.
- Lee, C. H., & Rhee, B. D. (2011), Trade Credit for Supply Chain coordination, *European Journal of Operational Research*, 214(1),136-146.
- Valliere, D. (2013), Entrepreneurial Alertness and Paying Attention, *Journal of Enterprising Culture*, 21(1), 1–17.
- London, M. and Morfopoulos, R. G. (2010), *Social Entrepreneurship: How to Start Successful Corporate Social Responsibility and Community-Based Initiatives for Advocacy and Change*, New York: Taylor and Francis.
- Masyita, D., Tasrif, M., & Telaga, A. S. (2005), A Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of The Alternative Instruments for The Poverty Alleviation in Indonesia, *Journal of The 23rd International Conference of The System Dynamics Society Massachusetts Institute of Technology* (MIT), 1–29.
- Nurbani, H., Yeow, J. A., Noor Ashikin, M. R., & Chin, S. T. S. (2011), Financial Constraints and Opportunities of Micro Enterprise Entrepreneurs: A Theoretical Framework, *Journal of The International Conference on Business and Economics Research*, 1, 165–168.
- Salarzahi, H., Armesh, H. And Nikbin, D (2010), Waqf as a Social Entrepreneurship Model in Islam, *International Journal of Business and Management*, 5(7), 179-186.
- Senghore, A. F. (2023), Assessing the role of islamic microfinance: A women empowerment case study, *European Journal of Islamic Finance*, 10(3), 45–70.
- Sukmana, R. (2020), Critical assessment of Islamic endowment funds (waqf) literature: Lesson for government and future directions, *Journal of Heliyon*, 6(10), e05074.
- Tohirin, A. (2010), The Cash Waqf for Empowering the Small Businesses, *Jurnal of 7th International Conference-The Tawhidi Epistemology: Zakat And Waqf Economy*, Bangi, Selangor.
- Volkmann, C. K., Tokarski, K. O., and Ernst, K. (2012), *Social Entrepreneurship and Social Business: An Introduction and Discussion with Case Studies*, The Netherland: Springer Gabler.
- Wardiwiyono, S. (2012), Internal Control System for Islamic Micro Financing:An Exploratory Study of Baitul Maal Wat Tamwil in The City of Yogyakarta Indonesia, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5(4), 340–352.
- Whited, T. M., & Wu, G. (2006). Financial Constraints Risk. *Review of Financial Studies*, 19(2), 531–559.
- Weiss, Holger (2020), *Muslim NGOs, Zakat and the Provision of Social Welfare in Sub-Saharan Africa*. An Introduction, In book: Muslim Faith-Based Organizations and Social Welfare in Africa (pp.1-38), Palgrave Macmillan, Cham.

• Reference

- Al-Dhahian, Abdul Rahman bin Ibrahim bin Hassan (1999), Endowments and their role in building the structure of civilization, Saudi Arabia, *Al-Madinah Al-Munawwarah Literary and Cultural Club*.
- Alkanchi, H. M., Md Yusoff, Y., & Mohammed, Z. A. (2021). The significance of Muslim families awareness in promoting entrepreneurship development in Sokoto state, Nigeria, *AL-BASIRAH Journal*, 11(2), 69-83
- Babacan, M. (2011), Economics of Philanthropic Institutions, Regulation and Governance in Turkey, *Journal of Economic and Social Research*, 13(2), 61-89.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brock, D.D. and Steiner, S. (2010), *Social Entrepreneurship*. Be the Change, Social Entrepreneurship Program. In Fukukawa, K. Corporate Social Responsibility and Local Community in Asia, Routledge.
- Creswell, J. W. (2014), *Research Design*. Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches, Sage Publications.
- Darban Arasteh, Alireza; Rezvani, Mohammadreza; Ghadiri Masoom, Mojtaba; Hajari, Bahram (2019), Spatial analysis of the activity of women-headed households supported by the Relief Committee at the national level and its relationship with social and economic variables, *Quarterly Journal of Women and Society*, No. 38, 194-69.
- Foss, N. J., & Klein, P. G. (2009), *Entrepreneurial Alertness and Opportunity Discovery*: Origins, Attributes, Critique, Aldershot, UK: Edward Elgar (forthcoming).
- Golbeck, S., & Linetsky, V. (2013), Asset Financing With Credit Risk, *Journal of Banking and Finance*, 37(1), 43-59
- Hanif, M., & Iqbal, A. M. (2010), Islamic Financing and Business Framework: A Survey, *European Journal of Social Sciences*, 15(4), pp 1-18.
- Hasbullah, Nurul Adilah, Ab Rahman, Asmak (2023), A theoretical study on the success elements of endowment in Malaysian public, *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, 35(2), 31-38.
- Hofstede, G (1993), Cultural Constraints in Management Theories, *Academy of Management Executive*, 7, pp 81-94.
- Iman, Abdul & Tahir, Mohammad Sabit Haji Mohammad (2017), Waqf as a framework for entrepreneurship, *Journal of Humanomics*, 33(1), 1-29.
- Ismail Abdel Mohsin, M. (2013), Financing Through Cash-Waqf: A Revitalization to Finance Different Needs, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 6(4), 304-321.
- Jafarian, Majid (2011), A Qualitative Approach to the Clergies' Understanding of Moral Conflicts in Commitment to their Professional Duties and Daily Livelihood, *Quarterly Journal of Applied Ethics*, No. 44, 45-76.
- Jiao, H., Cui, Y., Zhu, Y., & Chen, J. (2014), Building Entrepreneurs' Innovativeness Through Knowledge Management: The Mediating Effect of entrepreneurial Alertness, *Technology Analysis & Strategic Management*, 26(5), 501-516.
- Karamighahi, Taghi (2012), Discourse Analysis of Three Development Programs with an Approach to Women and Family Issues, *Quarterly Journal of Planning and Social Welfare*, No. 13, 41-75.



- native Payment and Financing Medium, *The Journal of Consumer Affairs*, 36(2), 239–262.
- Lee, C. H., & Rhee, B. D. (2011), Trade Credit for Supply Chain coordination, *European Journal of Operational Research*, 214(1), 136-146
- Valliere, D. (2013), Entrepreneurial Alertness and Paying Attention, *Journal of Enterprising Culture*, 21(1), 1–17.
- London, M. and Morfopoulos, R. G. (2010), *Social Entrepreneurship: How to Start Successful Corporate Social Responsibility and Community-Based Initiatives for Advocacy and Change*, New York: Taylor and Francis.
- Masyita, D., Tasrif, M., & Telaga, A. S. (2005), A Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of The Alternative Instruments for The Poverty Alleviation in Indonesia, *Journal of The 23rd International Conference of The System Dynamics Society Massachusetts Institute of Technology* (MIT), 1–29.
- Nurbani, H., Yeow, J. A., Noor Ashikin, M. R., & Chin, S. T. S. (2011), Financial Constraints and Opportunities of Micro Enterprise Entrepreneurs: A Theoretical Framework, *Journal of The International Conference on Business and Economics Research*, 1, 165–168.
- Sadeghi Fasaei, Soheila (2017), *Discourses and the Iranian Family*, Tehran: Tehran University Press.
- Sadeghi Fasai, Soheila; Erfanmanesh, Iman (2013), Sociological analysis of the effects of modernization on the Iranian family and the necessity of developing an Iranian-Islamic model, *Quarterly Journal of Women in Culture and Art*, Vol. 1, 63-84
- Salarzahi, H., Armesh, H. And Nikbin, D (2010), Waqf as a Social Entrepreneurship Model in Islam, *International Journal of Business and Management*, 5(7), 179-186.
- Senghore, A. F. (2023), Assessing the role of islamic microfinance: A women empowerment case study, *European Journal of Islamic Finance*, 10(3), 45–70.
- Sukmana, R. (2020), Critical assessment of Islamic endowment funds (waqf) literature: Lesson for government and future directions, *Journal of Heliyon*, 6(10), e05074
- Tohirin, A. (2010), The Cash Waqf for Empowering the Small Businesses, *Jurnal of 7th International Conference-The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy*, Bangi, Selangor
- Volkmann, C. K., Tokarski, K. O., and Ernst, K. (2012), *Social Entrepreneurship and Social Business: An Introduction and Discussion with Case Studies*, The Netherland: Springer Gabler.
- Wardiyono, S. (2012), Internal Control System for Islamic Micro Financing: An Exploratory Study of Baitul Maal Wat Tamwil in The City of Yogyakarta Indonesia, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5(4), 340–352
- Whited, T. M., & Wu, G. (2006). Financial Constraints Risk. *Review of Financial Studies*, 19(2), 531–559.
- Weiss, Holger (2020), *Muslim NGOs, Zakat and the Provision of Social Welfare in Sub-Saharan Africa*. An Introduction, In book: *Muslim Faith-Based Organizations and Social Welfare in Africa* (pp.1-38), Palgrave Macmillan, Cham.